احمد هاشمی

همگرایی همسایگان جنوبی از توهم تا رویا

چهاردهمین نشست مشورتی سران شش کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس روز دوشنبه گذشته در ریاض پایتخت عربستان و بدون حصول توافق و نتیجه‌یی پیرامون تشکیل اتحادیه به جای شورا به کار خود پایان داد. آنچه این نشست را از موارد قبلی آن متمایز می‌کرد موضوع برقراری اتحاد سیاسی، اقتصادی و به ویژه نظامی و امنیتی میان عربستان سعودی و بحرین در گام اول و تدریجا گسترش آن به کلیه اعضا بود. به نظر می‌رسید اتحاد بین این دو کشور یا به تعبیر مناسب‌تر، رسیدن به نوعی از کنفدرالیسم، در ظاهر بدون چالش عمده‌یی محقق شود؛ چرا که پادشاه بحرین، که این اتحاد و ائتلاف را برای توقف قدرت‌یابی شیعیان و همچنین حفظ تاج و تخت و مزایای اقلیت سنی‌مذهب کشورش ضروری می‌دانست، اشتیاق و عجله زیادی داشت تا خود را در آغوش حمایتی یا تحت‌الحمایگی حاکمان آل سعود ببیند. طبق دستور کار و برنامه از پیش تهیه شده، قرار بود این اتحاد از بحرین و عربستان شروع و دیگر اعضا را در برگیرد؛ در حالی که حاکمیت و استقلال کشورهای عضو به عنوان اعضای جامعه جهانی و سازمان ملل حفظ می‌شود. ایده تشکیل کنفدراسیون در میان شش کشور شورای همکاری خلیج‌فارس یا تبدیل این شورا به یک اتحادیه، در حالی در ریاض مطرح شد که در گذشته، ابتکارهایی از این دست راه به جایی نبرده بود. به عنوان مثال می‌توان به ابتکار ایجاد واحد پولی مشترک میان کشورهای عضو اشاره کرد که کشور عمان از همان ابتدا از آن عقب کشید و امارات نیز پس از اختلاف با عربستان بر سر میزبانی بانک مرکزی، از آن انصراف داد. هرچند در بین حکام این کشورها، گرایش فزاینده‌یی برای تشکیل یک جبهه مشترک قوی‌تر برای مقابله با تهدیدات و مخاطرات داخلی (سرایت انقلاب های عربی) و منطقه‌یی (به زعم آنها ایران) وجود دارد ولی به طور همزمان، دغدغه حفظ تاج و تخت توسط حکام کشورهای کوچک‌تر و نگرانی از سلطه و نفوذ فزاینده عربستان، مانعی جدی در این راه است. با برقراری این اتحاد میان شش کشور (هنوز نورسیده و نوبنیان) جنوب خلیج‌فارس، ریاض بر بخش‌های نفت و گاز منطقه نیز سیطره پیدا خواهد کرد. این واقعیت که جمعیت عربستان سعودی به تنهایی، پنج برابر جمعیت عمان به عنوان دومین کشور بزرگ عضو شورای همکاری‌های خلیج‌فارس است به تنهایی بازگوکننده شرایط پیچیده حاکم بر این شورا است. ناظران سیاسی انتظار داشتند این اجلاس منجر به پیوندی عمیق‌تر بین بحرین و عربستان سعودی شود ولی عمق اختلاف و ترس از سیطره عربستان عمیق‌تر از آن بود که چنین هدفی حاصل شود که یکی از نشانه‌های این اختلاف حضور عمان و امارات در سطحی پایین‌تر در این اجلاس بود.

مواردا ختلاف

هرچند در نگاه اول ممکن است زمینه‌های ترس و نگرانی کشورهای عضو شورا برای اتحاد آنها کافی بنماید ولی واقعیت این است که زمینه‌های واگرایی، تنش و اختلاف به مراتب بیشتر از عوامل همگرایی آنهاست. چهار کشور کویت، قطر، عمان و امارات به همان میزان به اصطلاح ترس از تاثیرگذاری ایران، از طرح ایده اتحاد نیز به خاطر گسترش سلطه و مداخلات عربستان هراس دارند. بنابراین، ترس از نفوذ و سیطره عربستان، اختلافات مرزی حل نشده، مخالفت کشورهای کویت و عمان، و تا حدی قطر و امارات (که بیشتر به خاطر اختلاف بزرگ‌تر با ایران درباره جزایر سه‌گانه وادار به کتمان اختلافاتش با دیگر اعضا می‌شود) و تفاوت‌های ساختاری در وجوه فرهنگی و سیاسی از جمله موارد تنش‌زا در بین اعضا است. در حالی که عربستان سعودی دارای یک سیستم حکومتی کاملا قبیله‌یی مبتنی بر خاندان سعود و ساختار فرهنگی و اجتماعی قدیمی و ایستا است؛ دیگر کشورهای عضو از یک آزادی هر چند محدود در زمینه حقوق بنیادین، مطبوعات و حقوق زنان (حداقل حق رانندگی و حضور در اجتماع بدون همراهی قیم مرد) و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی برخوردار هستند. غیرقابل قبول بودن نظام ارزشی و تفاوت‌های فرهنگی و قوانین سختگیرانه سعودی‌ها در کشورهایی از قبیل کویت- که دارای سبقه فرهنگی و روشنفکری و تجربه هر چند ناقص پارلمانتاریسم هستند - زمینه و چشم‌انداز هرگونه اتحاد پایداری را نامحتمل می‌کند. میان عربستان و امارات نیز رقابت‌هایی در زمینه تحکیم جایگاه اقتصادی در منطقه وجود داشته و دو کشور از دیرباز دارای اختلافات مرزی هستند. این درحالی است که روابط امارات با همسایه خود عمان فارغ از تنش نبوده است. دخالت عربستان در مسائل داخلی بحرین، سوریه، عراق، لبنان و دیگر کشورهای عربی و غیرعربی موجبات آزردگی کشورهای عضو شورا و به ویژه قطر را فراهم آورده است. قطر به عنوان رقیب سنتی و منطقه‌یی ریاض به همراه دیگر کشورهای کوچک‌تر در شورای همکاری خلیج‌فارس نگران از دست دادن نفوذ سیاسی و اقتصادی خود به سود عربستان است. آل‌سعود نیز از بی‌پروایی شبکه پرمخاطب الجزیره در انتقاد از خود خشمگین است. درباره بحرین برخلاف رویکرد آل خلیفه، شیعیان به عنوان اکثریت به‌شدت مخالف هرگونه نزدیکی با سعودی‌ها هستند. حتی در بین سنی‌های این کشور نیز نگرانی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه این اتحاد، آزادی‌های نسبی اجتماعی موجود در این کشور را به مخاطره خواهد انداخت؛ آزادی‌هایی که سالانه هزاران شهروند سعودی را برای گذراندن تعطیلات و فرار از قوانین سختگیرانه در زمینه اختلاط جنسیتی، رانندگی زنان و تفریحات به آنجا می‌کشاند. به طور کلی تمامی اعضای این شورا (به استثنای بحرین) از نقش محوری عربستان به عنوان برادر بزرگ‌تر فزون‌خواه ناراضی هستند و استقلال و حیات سیاسی - فرهنگی خود را در مقابل قدرت به مراتب بزرگ‌تر این کشور در خطر می‌بینند.

Hashemi.ahmad@yahoo.com

برگزاری نخستین جلسه دادگاه راتکو ملادیچ به اتهام نسل‌کشی

قصاب سربرنیتسا پای میز محاکمه

گروه بین‌الملل | راتکو ملادیچ، ژنرال صرب متهم به نسل‌کشی، در نخستین جلسه دادگاه برای خانواده‌های قربانیان و بازماندگان بزرگترین نسل‌کشی اروپا از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون خط و نشان کشید. ملادیچ که حالا ۷۰ سال دارد به هنگام ورودش به دادگاهی در لاهه دو شستش را بالا برد و دست زد. او متهم است که در سال ۱۹۹۵ بیش از هشت هزار مسلمان بوسنیایی غیرنظامی را سلاخی کرده است.

کمی بعد، ملادیچ رو به یکی از زنان مسلمان حاضر در جلسه کرد و انگشتش را به نشانه کشتن روی گردن خود کشید. این اقدام باعث شد آلفونس اوری، قاضی، تنفس اعلام کند و دستور بدهد که «واکنش‌های نامناسب» پایان یابد. در مدت محاکمه، ملادیچ به دقت گوش می‌داد و یادداشت برمی‌داشت.

درمو گروم، دادستان دادگاه، ملادیچ و دیگر صرب‌ها را متهم کرد به تقسیم نژادی سرزمین یوگسلاوی سابق و صدور دستور قتل‌عام غیرصرب‌ها. دادستان گفت: «در این دادگاه شواهد و اسنادی ارائه می‌شود که بدون تردید نشان می‌دهد آقای ملادیچ در تمام این جنایت‌ها دست داشته است.» در هنگام برگزاری جلسه دادگاه، ده‌ها تن از مادران قربانیان شهر سربرنیتسا جلوی دادگاه تجمع کردند و ملادیچ را بزرگترین قاتل بیگناهان و کودکان خواندند.

کادا هوتیچ که پسر ۲۹ ساله، شوهر و دو برادرش قربانی ملادیچ شده‌اند، می‌گوید نگران است که مبادا ملادیچ هم مثل میلوشویچ آن‌قدری عمر نکند که رای دادگاه در موردش اجرا شود. اسلوبودان میلوشویچ، رییس‌جمهور سابق یوگسلاوی، که متهم به نسل‌کشی بود طی دادرسی فوت کرد.

ملادیچ آخرین چهره اصلی جنگ‌های بالکان در دهه ۱۹۹۰ است که در دادگاه بین‌المللی رسیدگی به جنایات جنگی یوگسلاوی سابق محاکمه می‌شود. اتهام ملادیچ نه تنها قتل‌عام طولانی مدت مردم در سربرنیتسا بلکه محاصره ۴۳ ماهه سارایوو و کشتار ۱۰ هزار نفر از مردم این شهر توسط تک‌تیراندازها، مسلسل‌ها و تسلیحات سنگین است.

ملادیچ که بعد از ۱۶ سال متواری بودن در مه سال گذشته دستگیر شد، اعلام کرد به علت بیماری نمی‌تواند در دادگاه حاضر شود، ولی دادگاه این مدعا را نپذیرفت. این پرونده در منطقه بالکان حساسیت زیادی برانگیخته است و جریان دادگاه مستقیما در تلویزیون‌های بزرگ مستقر در شهر سارایوو، که طی جنگ بوسنی در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ هزاران نفر در آن کشته شدند، به نمایش درآمد.

فکرت گرابوویچا، رییس انجمن بازماندگان قربانیان سارایوو، می‌گوید: «امیدوارم کسانی که فکر می‌کنند ملادیچ قهرمان صرب‌هاست نظرشان را تغییر دهند و متوجه شوند که او جنایتکار و بزدل بوده است.» ملادیچ بعد از قرائت اتهاماتش حالتی عصبی پیدا کرد و مدام جلسه را قطع می‌کرد یا رو به قضات فریاد می‌کشید.

ملادیچ که رییس ارتش صرب‌ها بود در ماه ژوئن ۱۹۹۵ به شهر سربرنیتسا که تحت نظارت حافظان صلح هلندی سازمان ملل بود حمله کرد. تصاویر ویدئویی ملادیچ را در حال پرسه میان زندانی‌های مسلمان نشان می‌دهد. کمی بعد، مردان و پسران از باقی زندانی‌ها جدا و تیرباران شدند. اجساد کشته‌شدگان با بولدوزر به داخل گورهای دسته‌جمعی ریخته شدند، اما کمی بعد دوباره این گورها حفاری شد تا اجساد به جایی امن‌تر و دور از چشم جهانیان انتقال پیدا کند.

ملادیچ به همراه رادوان کارادزیچ، رهبر سیاسی صرب‌های بوسنی، در سال ۱۹۹۵ به محاکمه در دادگاه جنایی لاهه متهم شد. محاکمه کارادزیچ هنوز در جریان است. وکیل مدافعان اعلام کرده‌اند که فرصت کافی برای مطالعه پرونده نداشته‌اند و خواهان تعویق دادگاه شدند اما قضات این درخواست را رد کردند. ادعای ملادیچ مبنی بر ضعف جسمانی و ناتوانی‌اش برای شرکت در ۲۰۰ ساعت دادرسی و شنود شهادت ۴۱۱ نفر هم توسط دادستان رد شد.

مافوق ملادیچ و رییس‌جمهور سابق صرب‌ها، اسلوبودان میلوشویچ که معمار جنگ‌های بالکان بود، در سال ۲۰۰۶ و هنگام حبس در لاهه، پیش از اعلام حکم دادگاه فوت کرد.

آنگلا مرکل و فرانسوا اولاند در نخستین کنفرانس خبری مشترک

محور آلمان ـ فرانسه به همکاری ادامه می‌دهد

گروه بین‌الملل | حتی صاعقه‌زدگی هواپیمای فرانسوا اولاند، رییس جمهور فرانسه، هم باعث نشد او سفرش به برلین را عقب بیندازد. برخورد صاعقه با هواپیمای اولاند دو ساعت سفر او را به تعویق انداخت، اما اولاند باز هم ترجیح داد در همان روز تحلیف بلافاصله راهی برلین شود تا با آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، دیدار کند.

با وجود لبخندها و دست دادن‌های تشریفاتی، همه می‌دانستند که رهبران آلمان و فرانسه چندان هم دل خوشی از هم ندارند. اختلاف‌نظرهای این دو فقط به تفاوت سیاست‌های مالی‌شان، طرفداری مرکل از ریاضت اقتصادی و توسل اولاند به طرح تشویق رشد اقتصادی مربوط نمی‌شد. حتی از همان هنگامی که اولاند برای این سمت نامزد شد، مرکل ترجیح داد از هم‌پیمان قدیمی‌اش، نیکلا سارکوزی، حمایت کند. اولاند هم در سرتاسر دوران تبلیغات انتخاباتی‌اش به طرح ریاضت مالی دستپخت مرکل تاخته بود. هر دو آنها آنقدر عمل‌گرا هستند که به این اختلافات پر و بال ندهند، اما بیش از هر چیز این بحران مالی اروپا و بالاخص شرایط کشورهای یونان و ایتالیا و اسپانیا بود که باعث شد هم اولاند و هم مرکل از هرگونه اعلام‌نظر قطعی پرهیز کنند، تا آنجا که یکی از سخنگویان دولت آلمان، این جلسه را نه نشستی رسمی بلکه جلسه‌یی برای آشنایی دانست.

اما بالا گرفتن بحران یونان هر دو آنها را واداشت که بخشی از کنفرانس مطبوعاتی‌شان را به این کشور اختصاص دهند و از ماندن یونان در حوزه یورو استقبال کنند، در حالی که مرکل هنوز پافشاری می‌کرد که یونان باید به قولش برای انجام طرح ریاضت اقتصادی عمل کند، و اولاند هم متذکر شد که می‌توان در چارچوب همین طرح مالی، اقداماتی را هم برای تشویق رشد اقتصادی در نظر گرفت.

اولاند ضمن اشاره به وعده انتخاباتی‌اش مبنی بر بازنگری طرح مالی اروپا گفت: «مطابق وعده‌ام، می‌کوشم درباره توافق‌های مالی انجام‌شده بازنگری کنم و طرح‌هایی برای تشویق رشد اقتصادی را در آن بگنجانم.» مرکل هم در این کنفرانس مطبوعاتی مشترک گفت: «رشد اقتصادی باید از طریق مردم انجام شود. و از همین رو خوشحالم که ایده‌های مختلفی درباره دستیابی به رشد اقتصادی مطرح شود.» برلین پیش‌تر هم اعلام کرده بود حاضر است در چارچوب طرح ریاضت مالی، انعطاف‌پذیری بیشتری برای اختصاص هزینه به کمک‌های ساختاری به خرج دهد و سرمایه‌ها را به امور زیربنایی نظیر حمل و نقل و انرژی هدایت کند.

فرانسوا اولاند که بعد از مراسم تحلیف صبحگاهی‌اش راهی بنای سرباز گمنام شده بود تا زیر باران به آن ادای احترام کند، بعد از برخورد صاعقه با هواپیمایش مجبور به بازگشت به پاریس شده بود ولی دوباره پس از ساعاتی راهی برلین شد. شاید همین‌ها بود که باعث شد در نخستین ملاقات رسمی‌اش یک گاف تشریفاتی هم بدهد، و مرکل مجبور شد بازوی او را بگیرد و بچرخاند سمت فرش قرمزی که برای سان دیدن پهن شده بود.

انتخاب نخست‌وزیر آلمان‌دوست

اولاند پیش از عزیمت به برلین، با انتخاب ژان‌مارک آیرو به عنوان نخست‌وزیر به نوعی نشان داد که خواهان روابط نزدیک با قدرت اقتصادی نخست اروپا، آلمان، است. ژان مارک آیرو ۶۲ ساله که پیش از این معلم زبان آلمانی بوده‌است، عضویت پارلمان و شهرداری نانت را هم برعهده داشته است. او ۱۵ سال است که رهبر سخنگوی سوسیالیست‌های پارلمان به حساب می‌آید و در دوران تبلیغات انتخاباتی هم مشاور اولاند در امور مربوط به روابط فرانسه و آلمان بود. آیرو سال گذشته نیز به آلمان رفته بود تا درباره تلطیف طرح ریاضت اقتصادی با مشاوران مرکل مذاکره کند.

آیرو نیز همچون اولاند سیاستمداری عملگراست و پایگاه قدرتمندی در منطقه زادگاهش دارد. او که ۲۰ سال شهردار نانت بوده است، از سال ۱۹۷۶ تاکنون در هیچ انتخاباتی بازنده نشده است و متخصص سیاست‌های پارلمانی است. با توجه به اینکه اولاند در انتخابات پارلمانی ماه آینده فرانسه باید بتواند اکثریت مجلس را به دست گیرد تا مشکلی برای تصویب لوایح دولتی نداشته باشد، انتخاب آیرو برای سمت نخست‌وزیری در حکم برنامه بلندمدت اولاند هم هست. آیرو و اولاند بیش از ۱۵ سال را کنار هم در پارلمان گذرانده‌اند.

دیکتاتورها و مادرها

یوری فریدمن/ترجمه: یلدا اسلامی

روانپزشک اتریشی، زیگموند فروید، او نیز روابط خوبی با مادرش داشت، زمانی گفت: «انسان‌هایی که می‌دانند مورد توجه و علاقه مادرشان هستند، در زندگی خود به افرادی متکی به نفس تبدیل می‌شوند و خوش‌باوری غیرقابل تردیدی دارند که غالبا با نگرش‌هایی قهرمانانه همراه می‌شود و برایشان موفقیت‌های واقعی به بار می‌آورد.»

خواه شما با تئوری‌های فروید همراه باشید یا خیر، در این امر شکی نیست که بعضی از قدرتمندترین حکمرانان جهان روابطی فوق‌العاده با مادران خود داشته‌اند- بعضی به شکلی باورناکردنی عاشقانه- بعضی گاه خوب و گاه بد یا روابطی آشکارا تیره. گمان می‌رود که مادر قدرت‌طلب اسکندر کبیر، المپیا، نیروی محرک اصلی پسر خود در رسیدن به تاج و تخت مقدونیه بوده است. مادر ناپلئون بناپارت، لتیزیا بود که به پسر خود نظم آموخت (ناپلئون خود در جایی می‌گوید: «گاهی او مرا وادار می‌کرد بدون شام به بستر بروم») و او را در تبعید در آلبا دنبال کرد و پس از آن و پیش از نبرد واترلو همراه او به پاریس بازگشت.

دیکتاتورهای امروزی نیز به قدر کافی درگیر رابطه بغرنج مادر-پسر بوده‌اند. روز مادر، به جای اینکه به مادرتان یک عنوان پرزرق و برق مانند «شیرزن ضدژاپنی» بدهید (لقب مادر کیم جونگ ایل) یا «مادر نظامیان» (مادر صدام حسین)، می‌توانید صرفا از او برای اینکه از شما یک حاکم جبار نساخته است، قدردانی کنید.

آدولف هیتلر
کشور: آلمان/مادر: کلارا

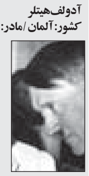

اگرچه او اغلب در دوران سرشار از فقر مدرسه با پدرش برخورد شدید داشت، اما در مقام پیشوای بزرگ مادرش را می ستود. هیتلر در سال ۱۹۰۷ زمانی که نوجوانی بیش نبود خانه را ترک کرد و به عنوان یک نقاش در وین شروع به کارکرد. (کلارا، آثار هنری او را مورد تشویق قرار می‌داد) اما پس از مدت کوتاهی درهمان سال، مادرش بر اثر سرطان از دنیا رفت و او را یتیم تنها گذاشت. در نبرد «من» که هیتلر آن را در دهه ۱۹۲۰ به نگارش درآورد، بازتاب فوت مادر را این گونه بیان می‌کند: «برای آن دوران زندگی‌ام مدیون او هستم زیرا آن دوران بود که مرا چنین محکم کرد و مرا قادر ساخت تا به استواری اکنون باشم. و من بیشتر از این جهت مدیون او هستم که در آن دوران مرا از پوچی زندگانی آسوده در امان داشت و دیگر آنکه عزیز مادر از آغوش مهربان او گرفته شد و به دستان مصایب و فلاکت‌های جدید افتاد. اگرچه من در برابر این سرنوشت جدید بسیار سرکشی کردم، اما قدردان هستم که به جهانی از فقر و بدبختی درافتادم و در نتیجه مردمی را شناختم که باید برای آنها مبارزه کنم.»

ادوارد بلوخ، دکتر یهودی‌ای که از کلارا مراقبت می‌کرد، بعدها به یاد می‌آورد که هیتلر «پسری بچه ننه در معنای مصطلح آن نبود». او «دیگر شاهد روابطی عمیق‌تر در زندگی‌اش نبود.» همچنین، کسی از پای افتاده‌تر از آدولف هیتلر را شاهد نبودم «آن زمانی که در پای بستر مرگ مادر نشسته بود و سعی می‌کرد تا به وسیله طراحی از آخرین حالات چهره مادرش، او را حفظ کند.»

ژوزف استالین
کشور: اتحاد جماهیر شوروی/مادر: اکاترینا (ککه)

استالین مانند هیتلر، به مادرش علاقه‌مند بود اما با پدرش که یک الکلی بود و وحشیانه او و مادرش را کتک می‌زد، روابطی پرکشمکشی داشت (روزی سوسو (نامی که مادرش به او داده بود) با صورتی خونین به یک پاسگاه پلیس در دهکده‌یی گرجی که در آن بزرگ شده بود رسید و فریاد زد «دارد مادرم را می‌کشد!») . ککه به عنوان رخت‌شور سخت کار می‌کرد تا بتواند استالین را در یک مدرسه کلیسایی و بعدها در یک مدرسه علوم دینی ثبت نام کند- و حتی زمانی که پدرش او را ربود، برای بازگرداندن او به مدرسه به‌شدت تلاش کرد و او را به شاگردی یک خرازی فرستاد. اما زمانی که استالین در مدرسه از خود بدرفتاری نشان داد، مادرش بسیار خشمگین شد و تنبیه بدنی سختی برای او به کار گرفت. زمانی که استالین به قدرت رسید، مادرش را در قصری در گرجستان ساکن کرد و به ندرت به ملاقاتش می‌رفت. نامه‌های او اغلب همین چند سطر را دربرداشتند: «مادر عزیزم، ده هزار سال زنده باشی. می‌بوسمت، سوسو» یا «می‌دانم از من ناامیدشده‌یی اما چه می‌شود کرد؟ من گرفتارم و اغلب نمی‌توانم برایت نامه بنویسم.»

استالین مادرش را کمی پیش از مرگ در سال ۱۹۳۵ ملاقات کرد، دکتری که از او مراقبت می‌کرد مکالمه‌یی شبیه به این را به یاد می‌آورد:

«چرا مرا اینقدر محکم می‌زدی؟»

«چون خوب کفرم را درمی‌آوردی. ژوزف، تو الان واقعا کی هستی؟»

«تزار یادت می‌آید؟ خب من شبیه او شده‌ام.»

«بهتر بود کشیش می‌شدی.»

رابرت موگابه
کشور: زیمبابوه/مادر: بونا

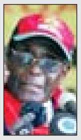

موگابه زیاد راجع به مادرش صحبت نمی‌کند، زن کاتولیک سرسختی که پس از آنکه شوهرش خانواده را ترک کرد و دو برادر بزرگ‌تر موگابه مردند، گرفتار افسردگی شد. اما رابرت چندین سال در گفت‌وگو با روزنامه‌نگاری به نام هایدی اولاند، سر درددلش باز شد و به این نکته اشاره کرد که در کودکی، تنها با کتاب مانوس بوده است. موگابه در این مصاحبه می‌گوید «من در فضای ذهنی خودم زندگی می‌کردم» و «عادت داشتم با خودم حرف بزنم.» اگرچه خانواده بی‌نهایت فقیر بود، اما محرومیت احساسی دوران کودکی رابرت بود که او را برای تمام عمر آزار می‌داد. در حالی که پدربزرگ و مادربزرگ او هرچه در توان داشتند انجام دادند تا فقدان پدر را جبران کنند و به او یاد دادند که چطور پرندگان را برای غذای خانواده شکار کند و کارهایی از این قبیل اما رابرت بیش از هر چیز توجه و محبت بونای ریاضت‌کش را می‌خواست. همچنان که بزرگ می‌شد، رابرت هویت خود و اینکه چگونه آدمی است را بیش از هر چیز از مادرش گرفت. مادرش برای او تردیدی باقی نگذاشته بود که باید از همه بالاتر باشد، چون رهبری برگزیده خداوند. شاید هم بونا فکر می‌کرد که رابرت باید کوتاهی پدر و مادرش را جبران کند و به جای آنها به کلیسا خدمت کند. آرزوهای دور و دراز بونا برای پسرش، یکی از روایت‌های ذکر شده در زندگینامه‌یی که به تازگی توسط پیتر گادوین درباره موگابه نوشته شده را حیرت‌انگیز جلوه می‌دهد. یکی از دانش‌آموزان قدیمی موگابه برای گادوین تعریف می‌کند که در سال ۱۹۸۰، یعنی همان زمانی که رابرت موگابه به عنوان نخستین رییس‌جمهور سیاهپوست زیمبابوه برگزیده شد، با بونا بوده است: «بونا از پیروزی او اصلا خوشحال نبود». «ما در خانه او بودیم و او گفت «او از پس این کار برنمی‌آید. از آن آدم‌هایی نیست که بتواند از بقیه مراقبت کند.»

اسلوبودان میلوشویچ
کشور: یوگسلاوی/مادر: استانیسلاوا

میلوشویچ در زمانه‌یی پرآشوب قدم به جهان گذاشت؛ در یک شهر صرب در زمان اشغال نازی‌ها به دنیا آمد و چند سال بعد پدرش خانواده را ترک کرد. آدام لبور، نویسنده زندگینامه میلوشویچ می‌گوید مادر میلوشویچ که یک معلم و فعال کمونیست بود، «در مرکز جهان کودکی پسرش قرار داشت». «استانیسلاوا هر روز با مراقبت بسیار اسلوبودان را با لباس تمیز سفید، مانند جوان نمونه مقامات حزب کمونیست بیرون می‌فرستاد و آرزو داشت او روزی چنین شود.» نیویورک تایمز هم میلوشویچ جوان را اینگونه توصیف می‌کند: «یک مرد مجرد چاق با دوستان اندک». زمانی که میلوشویچ رهسپار دانشگاه بلگراد شد، کم و کمتر به خانه می‌آمد و شروع به رفت وآمد با یکی از همکلاسی‌هایش به نام میرا مارکویچ کرد، اما میرا در نهایت نتوانست با استانیسلاوا کنار بیاید. در سال ۱۹۴۷، استانیسلاوا که به‌شدت دچار افسردگی بود خودش را در خانه خانوادگی محبوس کرد و یک دهه پس از خودکشی پدر میلوشویچ، خودش را دار زد. میلوشویچ برای مرگ مادر، خودش را ملامت می‌کرد و به یکی از دوستانش گفت: «مادرم هرگز مرا به خاطر رابطه با میرا نبخشید.»

ژان کلود دوالیه
کشور: هاییتی/مادر: سیمونه

زمانی که «بیبی داک» دوالیه در سال ۱۹۷۱ و در سن نوزده سالگی، به عنوان حاکم هاییتی جانشین پدر، «پاپاداک» دوالیه شد، مادرش به عنوان زنی علاقه‌مند به جادوی وودو و برخاسته از مناطق فقیر، به عنوان قدرت اصلی حامی پسرش نمودار شد. اما پس از ازدواج بیبی داک با میشل بنت، امور رو به دگرگونی گذاشت، میشل بنت دختر یک بازرگان اهل هاییتی و عروس مردی بود که یک کودتای ناکام را علیه پاپاداک به راه انداخته بود. روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز در سال ۱۹۸۵ می‌نویسد: «از زمان ازدواج آنها، سیمونه دوالیه، کسانی که مقامات به او لقب محافظ انقلاب داده بودند، علنا به حاشیه رانده شده و کمابیش عروسش او را از کاخ بیرون کرد، به طوری که او بیشتر اوقاتش را در پاریس می‌گذراند.» مثلث پسر- مادر- عروس به تدریج شکلی عجیب‌تر به خود گرفت. در سال ۱۹۸۶ زمانی که بیبی داک از قدرت سرنگون شد، سیمونه به پسر و عروسش در تبعید- ابتدا در منطقه فرانسوی آلپ و پس از آن در پاریس- پیوست. نیویورک‌تایمز در پی درگذشت سیمونه در سال ۱۹۹۷ یادآور شد: «می‌توان گفت درسال‌های اخیر و پس از جدایی تلخ ژان کلود از میشله، خانم دوالیه دوباره با پسر خود در فرانسه زندگی می‌کرد، و گزارش‌های متعددی نشان می‌دهد آنها زندگی خود را در فقری واقعی سپری می‌کردند.» بیبی داک که در سال ۲۰۱۱ دوباره به هاییتی برگشت، اکنون در حبس خانگی است و با اتهام جنایت علیه بشریت روبه‌رو است- اگرچه او گاه ترتیب میهمانی‌های شام و جشن‌هایی را با حضور دوستان خود می‌دهد. به تازگی از وکیل او پرسیده شد: «آیا ژان کلود دوالیه واقعا ترسناک است؟» و او پاسخ داد: «خود دوالیه نه، اما مردمی که دور و بر او هستند چرا، پلیس مخفی‌ها، بله، بعضی از آنها خیلی خیلی ترسناکند. اما ژان کلود مرد نازنینی است. باور کنید.»

مرد نازنینی که عاشق مادرش بود!

منبع: فارین پالیسی

دعوت زرداری به نشست سران ناتو در شیکاگو

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از آصف‌علی زرداری، رییس‌جمهوری پاکستان برای شرکت در اجلاس این پیمان که قرار است بیستم و بیست و یکم ماه مه در شیکاگو برگزار شود، دعوت کرده است. به گزارش ایلنا، گفت‌وگو درباره آینده افغانستان یکی از محورهای اصلی مذاکرات ناتو در این کنفرانس است که ریاست آن را «باراک اوباما»، رییس‌جمهوری امریکا بر عهده دارد. پیش از این آندرس فوگ‌راسموسن، دبیرکل ناتو، گفته بود پاکستان به اجلاس شیکاگو دعوت نشده است. حامد کرزای رییس‌جمهوری افغانستان که برای امضای یک پیمان استراتژیک با آلمان به برلین سفر کرده، قرار است پس از امضای این پیمان آلمان را به مقصد امریکا ترک کند. پاکستان یکی از متحدان بزرگ امریکا در منطقه است که عضو ناتو نیست اما به دلیل تیرگی روابط با ناتو، تاکنون به این اجلاس دعوت نشده بود. روابط پاکستان و ناتو شش ماه قبل و پس از آن تیره شد که یک هواپیمای بدون سرنشین ناتو، ۲۴ مرزبان پاکستانی را در یک پاسگاه مرزی این کشور با پاکستان کشت. پاکستان بلافاصله بعد از این حادثه، مسیر تدارکی نیروهای ناتو مستقر در افغانستان را از خاک خود بست؛ مسیری که برای تامین تدارکات نیروهای ناتو در جنوب افغانستان بسیار حیاتی است. همزمان با اعلام خبر دعوت آصف‌علی زرداری به اجلاس شیکاگو، خبرها از اسلام‌آباد حاکی است رهبران نظامی و غیرنظامی پاکستان در حال بحث بر سر باز کردن راه تدارکات ناتو از مسیر این کشور هستند. بعضی از خبرگزاری‌ها به نقل از حنا ربانی، وزیر خارجه پاکستان، گزارش داده‌اند که گذرگاه خیبر به زودی به روی کاروان‌های تدارکاتی ناتو باز خواهد شد. گذرگاه خیبر، افغانستان را به ایالت «خیبرپشتونخواه» پاکستان و از آن طریق به بندر کراچی وصل می‌کند. پاکستان که یکی از بازیگران اصلی در سیاست افغانستان به حساب می‌آید، در سال‌های گذشته نقش مهمی در تحولات سیاسی افغانستان داشته است و غیبت در اجلاسی که قرار است در آن درباره آینده افغانستان بحث شود، برای رهبران پاکستان خوشایند نبود.

برگزاری انتخابات دوباره در یونان

پس از آنکه ۹ روز رایزنی احزاب پیروز انتخابات برای تشکیل دولت ائتلافی در یونان بی‌سرانجام ماند و برگزاری انتخابات دوباره مسجل شد، رییس‌جمهور درصدد است دولت موقتی تشکیل دهد که تا هنگام روشن شدن تکلیف دولت جدید، بحران مالی این کشور را هدایت کند. همه چیز حاکی از آن است که یونان در صورت عدم دریافت کمک مالی اروپا تا کمتر از یک ماه دیگر رسما ورشکسته می‌شود و نقدینگی بانک‌ها به صفر می‌رسد. از همین رو شهروندان به سوی بانک‌ها هجوم برده‌اند و موجودی‌شان را بیرون کشیده‌اند. در حالی که رهبران احزاب میانه‌رو دموکراسی نوین راست‌گرا و پاسوک چپ‌گرا که هر دو در انتخابات شکست خوردند، مردم را به رای اشتباه متهم می‌کنند و از آنها خواسته‌اند در انتخابات دوباره به آنها رای بدهند. به نظر می‌رسد این حزب چپ رادیکال سیریزاست که روزبه‌روز بر محبوبیتش افزوده می‌شود. یونان که پنج سال ریاضت اقتصادی را تجربه کرده، برای دریافت کمک‌های مالی اتحادیه اروپا توافق کرده که به کاهش هزینه‌های عمومی ادامه بدهد ولی انتخابات اخیر به سود احزابی تمام شد که با طرح ریاضت مالی مخالفند. کارشناسان بر این باورند که در صورت ادامه روند جاری، یونان مجبور به خروج از حوزه یورو می‌شود و دوباره پول قدیمی‌اش دراخما را منتشر می‌کند. تاریخ انتخابات بعدی ۱۷ ژوئن اعلام شده است ولی با توجه به اینکه تا آن زمان ورشکستگی یونان قطعی است، رییس‌جمهور فعلا دولتی موقت را برای رسیدگی به بحران و ادامه مذاکرات منصوب کرده است.

نتیجه انتخابات پارلمانی سوریه اعلام شد

خلف الغزاوی رییس کمیته عالی انتخابات سوریه نتایج انتخابات هفتم مه را اعلام کرد. به گزارش رادیو صدای روسیه، خلف الغزاوی گفت نمایندگان از تمام طبقات جامعه موفق به راهیابی به مجلس خلق سوریه شدند. زنان نیز ۳۰ کرسی را در پارلمان از آن خود کردند. او افزود بیش از ۵۱ درصد از سوری‌های دارای حق رای، در این انتخابات شرکت کردند. رییس کمیته عالی انتخابات هنوز اعلام نکرده کدام حزب در این انتخابات پیروز شد اما نمایندگان حزب حاکم بعث در این انتخابات اعلام پیروزی کرده‌اند. به گفته الغزاوی، انتخابات پارلمانی سوریه در فضای آزادی، مسئولیت، دموکراسی، شفافیت و مطابق با قانون اساسی جدید برگزار شد. انتخابات پارلمانی سوریه در حالی برگزار شد که خشونت‌ها در برخی مناطق این کشور همچنان ادامه دارد و مخالفان با تحریم انتخابات، دولت بشار اسد را به برگزاری انتخاباتی نمایشی متهم کرده‌اند.

امتناع تیموشنکو از ادامه درمان

نخست‌وزیر سابق اوکراین حاضر نیست روند درمان ستون فقراتش را ادامه دهد. الکساندر تولستوف، معاون وزیر بهداشت اوکراین، گفت: «لوتر هارمس، دکتر آلمانی که بر روند درمانی یولیا تیموشنکو، نخست‌وزیر سابق و در حبس اوکراین نظارت دارد، گفته است تیموشنکو از ادامه درمان امتناع کرده است.» به گزارش خبرگزاری روسی نووستی، فهرستی از روند درمانی تیموشنکو در وب‌سایت رسمی زندان اوکراین منتشر شده است. دختر نخست‌وزیر سابق اوکراین خبرنگاران را به انتشار غیرقانونی اطلاعات محرمانه در مورد شرایط سلامت مادرش متهم کرده است. یولیا تیموشنکو، نخست‌وزیر سابق اوکراین و رهبر انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ میلادی، به اتهام سوءاستفاده از قدرت و انعقاد قرارداد گازی با روسیه به هفت سال حبس محکوم شده است.